

نقش بشر در جهان گستری دین و راهکارهای قرآنی آن

_____ مهدی سلیمی^۱ - فرزانه روحانی مشهدی^۲ _____

چکیده

در عصری که گفتمان جهانی سازی، ذهن بسیاری از اندیشمندان را به خود جلب کرده، بررسی نسبت دین با این گفتمان، دغدغه‌ای جدی است، به ویژه آنکه قرآن سخن از دین جهانی اسلام به میان آورده و وعده به غلبه آن بر همه ادیان و گفتمان‌ها در گستره جهانی داده است. مسئله این است که بشر چه نقشی در این وعده الهی دارد؟ آیا قرآن راهکاری در این راستا برای مسلمانان پیش گذاشته است؟ تحقیق حاضر با استقراء در قرآن و استخراج آیات مرتبط و بررسی تحلیلی آن‌ها به روش کتابخانه‌ای، به راهکارهای متعدد دست یافته که کلیدی‌ترین آن، «الگوی جهانی شدن» جامعه اسلامی است. مسلمانان برای تحقق جهان گستری دین باید با «کنترل درون»، «نصرت دین الهی»، «استقامت ورزی» و «اصلاح گرایی» خود را پرورانده و حرکت تاریخی خود را به جای برون نگر و رویکرد پی‌رونده، به درون نگر و رویکرد پیش‌رونده تغییر دهند و با جهاد مستمر تلاش کنند تا دین را از ساحت نصوص به ساحت تمدن عینیت ببخشند و خود الگو و مقتدای جهانیان شوند.

کلیدواژه‌ها: مهدویت، اصلاح گرایی جامعه، جهان گستری دین، الگوی جهانی، کنترل درون.

۱. کارشناسی ارشد علوم قرآنی، پژوهشکده مطالعات میان رشته‌ای قرآن. mr.salimi@alaskari.org

۲. استادیار پژوهشکده مطالعات میان رشته‌ای قرآن، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول).

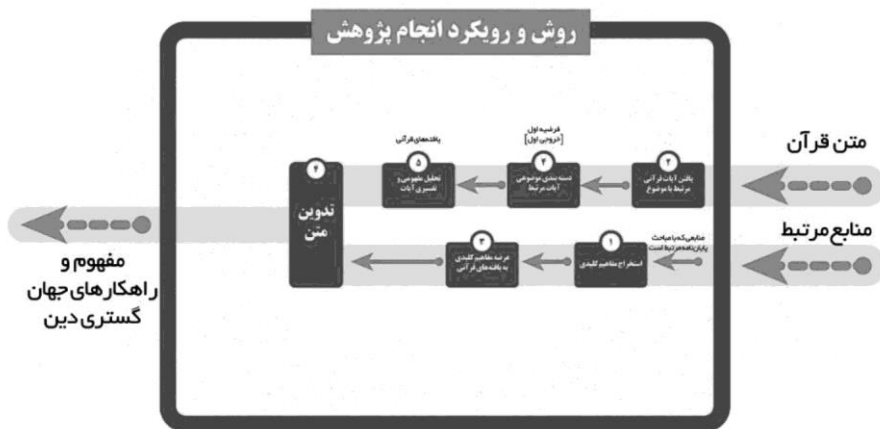
f_rohani@sbu.ac.ir

مقدمه

بر خلاف تصور رایج، قرآن فقط کتاب مسلمانان نیست و رسالت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله مانند دو رسول اولوا العزم پیشین محدود به قوم خود نبوده (بنگرید به: صف/ ۵-۶، آل عمران/ ۴۹)، بلکه رسالت ایشان برای همه عالم است (بنگرید به: اعراف/ ۱۵۸، سبأ/ ۲۸، فرقان/ ۱). بنابراین اسلام دارای گفتمانی جهانی است. علاوه بر این، قرآن وعده به غلبه اسلام در گستره عالم (بنگرید به: توبه/ ۳۳، فتح/ ۲۸، صف/ ۹) و تحقق حکومت جهانی صالحان داده است (بنگرید به: انبیاء/ ۱۰۵، نور/ ۵۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵۳۲-۵۳۳) و این یعنی از منظر قرآنی، نقش آفرینی جهانی اسلام در افق آینده بشری پیش بینی شده و صالحان مقتدای عالمیان و فرمانروای آنان خواهند بود. اما با گذشت حدود پانزده قرن از نزول قرآن و تکمیل دین اسلام (بنگرید به: مائده/ ۳)، هنوز این وعده الهی محقق نشده است. امروزه گفتمان جهانی اسلام در مناسبات جهانی بر دیگر گفتمان‌ها هنوز غالب نشده و جوامع اسلامی نه مقتدای جهانی، بلکه یا پیرو و مقلد دیگر جوامع‌اند یا اگر هم مقلد نباشند، حضور مؤثر پیش‌رونده‌ای در مناسبات جهانی ندارند. مسائلی که به میان می‌آید، این است؛ با وجود وعده الهی بر جهان گستری دین، آیا بشر نقشی در ایفای این وعده الهی دارد یا این وعده به خودی خود با قهر و معجزه الهی محقق خواهد شد؟ آیا با وجود گفتمان جهانی اسلام، جامعه مسلمانان این مشروعیت را دارند که ناظر و مقتدای جهانی باشند یا فقط انسان‌های برگزیده الهی باید ظهور کنند و این مسئولیت را برعهده بگیرند؟ یا هر دو؟ آیا قرآن راهکاری برای جهان گستری دین ارائه داده است؟

روش این تحقیق مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع نظری بوده است. در ابتدا تمامی آیات قرآن استقراء و آیات مرتبط با بحث، به عنوان داده‌های قرآنی، ثبت و بر اساس مفاهیم کلیدی و فرضیات دسته‌بندی شدند. در گام بعد، برای فهم درست داده‌های قرآنی به منابع تفسیری و لغوی مراجعه شده و داده‌ها با معلومات جدید

به‌روزرسانی شدند. در گام بعد به منابع جنبی اندیشمندان صاحب نظر در حوزه‌های قرآنی رجوع شده و در تكملة مباحث از نظرگاه این منابع نیز استفاده شده است. بنابراین، گام‌های این تحقیق شامل این اولویت بوده‌اند: (۱) استقرای کل قرآن و استخراج آیات مرتبط به عنوان داده‌های قرآنی و دسته‌بندی آن‌ها؛ (۲) رجوع به منابع تفسیری و لغوی برای فهم معنای دقیق آیات (داده‌های قرآنی) و تحلیل مفهومی آن‌ها؛ (۳) بهره‌مندی از منابع جنبی مرتبط با مباحث و استفاده از نظر صاحب نظران علوم قرآنی و عرضه آن به یافته‌های قرآنی برای تکمیل مباحث؛ (۴) تدوین نهایی متن.



تصویر ۱ (نمودار روش و رویکرد انجام پژوهش)

خروجی این روش، راهکارهای متعددی است که به اختصار عبارت‌اند از: «الگوی جهانی‌شدن»، «گسترش رویکرد کنترل درون در جامعه»، «نصرت دین الهی»، «استقامت‌ورزی» و «اصلاح‌گرایی». علاوه بر این‌ها به سبب اهمیت تعاملات جامعه اسلامی در جهان‌گستری دین، بخشی از راهکارها به چگونگی تعاملات جامعه اسلامی با هم‌اندیشان و غیرهم‌اندیشان پرداخته است که به سبب حجم بالای پژوهش، راهکارهای تعاملی با هم‌اندیشان و غیرهم‌اندیشان در مقاله‌ای دیگر منتشر می‌شود (إن شاء الله). در این تحقیق به جای «جهانی‌شدن» یا «جهان‌شمولی»، لفظ «جهان‌گستری» به کار رفته است؛ به این دلیل که «جهانی‌شدن» معادل مفهوم «Globalization» است که

مؤلفه‌های مفهومی خود را دارد و با مؤلفه‌های مفهومی دین جهانی اسلام متفاوت است و از این رو خارج از موضوع نوشتار حاضر است. «جهان‌شمولی» نیز به جهانی بودن یا شمولیت جهانی مخاطبان و فرمان‌های قرآن اشاره دارد، اما لفظ «جهان‌گستری» در خود مفهوم اشاعه و تلاش برای گستراندن دین در گستره جهانی دارد. بنا بر ادبیات این تحقیق، جهان‌شمولی، مقدمه جهان‌گستری است و جهان‌گستری حاوی معنای جهان‌شمولی نیز هست.

پیشینه بحث

با طرح گفتمان جهانی سازی در عرصه جهانی، تحقیقات متعددی به مقوله دین جهانی و نسبت دین با جهانی سازی نگریسته‌اند و طبیعتاً پیش فرض‌های خود را در تحقیقاتشان دخیل کرده‌اند و هیچ یک راهکاری برای تحقق دین جهانی ارائه نداده‌اند؛ دسته‌ای از نویسندگان به انعکاس یافته‌های خود در زمینه جهانی شدن و نسبت آن با دین از منظر تخصصی خود پرداخته‌اند. به عنوان نمونه افروغ در کتاب خود ما و جهانی شدن، از منظر فلسفی - جامعه‌شناختی و صدرا در آسیب‌شناسی جهانی سازی با مدل جهانی‌گرایی مهدویت، از منظر علوم سیاسی و رشاد در فرجام قدسی تاریخ، از منظر فلسفی - کلامی به جهانی سازی نظر انداخته‌اند.

دسته‌ای دیگر از تحقیقات به تطبیق جهانی سازی میان مدرنیته و اسلام پرداخته‌اند. به عنوان نمونه معرفت در مقاله «قرآن و جهانی شدن»، به چگونگی رویارویی جامعه اسلامی با پدیده جهانی سازی غربی با اشاره به آیاتی از قرآن پرداخته است (بنگرید به: معرفت، ۱۳۸۴) و شیروودی در «جهانی سازی، اسلام و آینده بشریت» به دنبال معنای جهانی شدن، تاریخ آن و قابلیت تحقق جهانی شدن در اسلام است (شیروودی، ۱۳۸۳). نکوئی سامانی در «دین و فرایند جهانی شدن»، رفیعی موحد در «ایده جهانی سازی در قرآن»، خنیفرو زروندی در «جهانی شدن و فرهنگ مهدویت از دیدگاه آیات قرآن کریم و روایات اسلامی»، همگی تحقیقاتی از این دست‌اند. برخی از این تحقیقات اگرچه

نگاهی به آیات قرآنی داشته‌اند، ولی هیچ‌یک، قرآن را محور بحث خود قرار نداده‌اند. دسته‌سومی از تحقیقات اگرچه نگاهی به مفهوم جهانی‌سازی از منظر غربی انداخته‌اند، اما محور بحث آن‌ها از منظر اسلام و قرآن بوده است. به عنوان نمونه آرام در مقاله خود، اصول و مبانی دین اسلام از منظر قرآن را این‌گونه برمی‌شمرد: حاکمیت خداوند متعال، امامت و رهبری، امت واحد، قانون واحد، آرامش و امنیت، عقلانیت، معنویت، عدالت، حیات طیبه، زبان واحد (آرام، ۱۳۹۰: ۱۰۹). صباغچی در «اسلام جهانی و راه‌های گسترش آن از منظر قرآن» با وجود شباهت عنوان مقاله‌اش با تحقیق حاضر، توجه خود را معطوف به موضوع جهاد و ارتباط آن با گسترش دین کرده است. وی با ارائه شماری از آیات مبنایی و نقد برداشت‌های مختلف از آیات جهاد، نتیجه گرفته که دین با گسترش خود از راه قتال مخالفت دارد و ماهیت جهاد، «دفاعی» است (صباغچی، ۱۳۹۳).

همه منابع یادشده راهکارهای جهان‌گستری دین را بر محور آیات قرآن ارائه نداده‌اند، در حالی که تحقیق حاضر کوشیده به شکل تخصصی قرآن را محور بحث قرار داده، در موضوع دین جهانی و راهکارهای موجود، آن را مورد استنتاج قرار دهد. در واقع مقاله پیش‌رو مبتنی بر دو سؤال است: ۱- نقش بشر در تحقق جهان‌گستری دین؛ ۲- راهکارهای قرآنی جهان‌گستری دین.

۱. نقش بشر در تحقق جهان‌گستری دین

قرآن کتاب هدایت خلق (از انس و جن) است (بنگرید به: مائده/۱۶) و هدف نهایی خلقت، تحقق عبودیت است (بنگرید به: ذاریات/۵۶) و با توجه به آیات قرآن این هدایت و عبودیت باید در ساحت اجتماعی محقق شود تا فردی. بنابراین، هدایت قرآنی علاوه بر وجه فردی، دارای وجهی اجتماعی است (بنگرید به: بقره/۱۲۴، مائده/۵۴، انبیاء/۷۳ و بسیاری آیات دیگر).

خداوند وعده تحقق حکومت جهانی صالحان را می‌دهد که هدف نهایی آن،

استحکام عبودیت و توحید است (بنگرید به: نور/۵۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۴/۵۳۲-۵۳۳). علاوه بر این، به غلبهٔ دین در گسترهٔ جهانی وعده داده شده است (بنگرید به: توبه/۳۳، فتح/۲۸، صف/۹) و براساس نقل فریقین، قیامت برپا نگردد تا آنکه مردی هم نام پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، از اهل بیت ایشان و از فرزندان فاطمة الزهراء (ابن ماجه، ۱۳۷۳: ۲/۱۳۶۷-۱۳۶۸)، مشهور به مهدی موعود قیام کند و جهان را پس از آنکه پراز ظلم و جور شده، از قسط و عدل پر کند (ابوداود، ۱۳۱۲: ۳/۲۱۰-۲۱۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۶/۵۷). بنابراین، فعلیت تام غلبهٔ دین در گسترهٔ جهانی، به دست مهدی موعود به وقوع خواهد پیوست که براساس منابع روایی، ثمرهٔ قیام ایشان، گسترش عدالت در سطح جهانی است. بدین سان، سرانجام آیندهٔ بشری، گسترش عدالت است (هلالی، ۱۴۰۵: ۲/۵۶۷؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۸۹؛ ابن بابویه، ۱۴۱۴: ۱۲۲). مسئله‌ای که به میان می‌آید، این است: آیا بشر - خصوصاً جامعهٔ مؤمن - قادر است نقشی در بالفعل درآوردن جهان گستری دین و تحقق وعدهٔ الهی ایفا کند؟

موعود آخر الزمانی که وعده‌اش در منابع ادیان آمده، ملکی فرود آمده از آسمان نیست، بلکه انسانی است که وعدهٔ الهی (یعنی جهان گستری دین) به دست او و یارانش محقق می‌شود. اما باز این مسئله همچنان مطرح است که نقش دیگرانسان‌ها (خصوصاً جامعهٔ مؤمن) در این بین چیست؟ آیا بی‌هیچ نقشی، گوشه نشین و منتظر ظهور موعود شوند تا سرانجام آن انسان ویژه ظاهر شود و همه شاهد باشند که او به تنهایی جهان را پراز قسط و عدل کند؟

در قرآن به صراحت گفته شده که هدف از ارسال رسولان و برگزیدگان الهی این است که مردم به رهبری آن‌ها قیام به قسط کنند (بنگرید به: حدید/۲۵). از طرف دیگر، قرآن می‌فرماید، برگزیدگان الهی در انجام مأموریت‌های خود هیچ کوتاهی نکرده و نمی‌کنند (بنگرید به: انبیاء/۲۶؛ حویری، ۱۴۱۵: ۳/۴۲۱-۴۲۳). پس کوتاهی متوجه مردم هر زمانه است که برگزیدگان الهی را به طور شایسته نصرت ندادند. هر کجا نصرتی صورت گرفت، آن اهداف الهی به نحو مقطعی تحقق یافت؛ مانند نصرت سپاهیان طالوت و شکست

جالوت و سرانجام تشکیل حکومت داود عَلَيْهِ السَّلَام، یا نصرت رسول خاتم از سوی مهاجران و انصار و شکست مشرکان و سرانجام فتح مکه. پس از منظر قرآنی مردم نقشی اساسی در تحقق اهداف الهی دارند. از طرف دیگر، روایات در بیان ثمره قیام منجی موعود عَلَيْهِ السَّلَام تصریح کرده‌اند که «أَنَّهُ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا»، نگفته‌اند که مثلاً «يَمْلَأُ الْأَرْضَ إِيمَانًا وَ تَوْحِيدًا». به سبب تناسب ثمره قیام مهدی (قسط و عدل) با هدف نهایی ارسال رسولان (یعنی قیام مردم به قسط) می‌توان نتیجه گرفت که نقش بشر برای جهان‌گستری دین در «انتظار فرج» نمود یافته است.

انتظار فرج، عملی مسبوق به عقیده صالحی است که ریشه در آیات قرآن و لسان روایات دارد. آیات متعددی نویدبخش غلبه دین و حکومت صالحان در گستره جهانی و مشوق صبر و استقامت و مقوم عقیده «انتظار فرج» است. از جمله انگیزه‌بخشی موسی عَلَيْهِ السَّلَام به صبر و انتظار فرج (بنگرید به: اعراف/۱۲۸)، نوید به ارث بردن زمین توسط بندگان صالح (بنگرید به: انبیاء/۱۰۵) و وعده غلبه دین بر همه ادیان (بنگرید به: توبه/۳۳) و رهبری جهانی مستضعفان (بنگرید به: قصص/۵) و بسیاری آیات دیگر که همه آن‌ها انگیزه‌بخش بشر به آینده روشن و محرک مؤمنان در راستای انتظار فرج برای تحقق جهان‌گستری دین است.

در لسان روایات نیز «انتظار فرج»، «برترین اعمال امت رسول خاتم عَلَيْهِ السَّلَام» معرفی شده است (ابن بابویه، ۱۴۰۴: المقدمة/۲۱). برای درک اینکه چرا «انتظار فرج» از برترین اعمال امت معرفی شده، لازم است ماهیت آن بیشتر بررسی شود. رویکردی باور دارد ظهور منجی عَلَيْهِ السَّلَام زمانی محقق می‌شود که جهان پراز ظلم و جور شود. براساس این دیدگاه انسان‌ها هیچ نقشی در زمینه‌سازی ظهور منجی ندارند و ظهور، ماهیتی انفجاری دارد که تنها ناشی از شیوع ستم‌ها، تبعیض‌ها، جو خفقان حق‌کشی‌ها و... است. پس باید از اقدامات اصلاح‌گرانه اجتناب کرد تا ظهور حضرت به تأخیر نیفتد و به گوشه‌ای نشست و اجازه داد فساد و ستم گسترش یابد و ظهور حضرت نزدیک شود (مطهری، ۱۴۰۰: ق: ۶۲-۶۳).

در نقد باید گفت که این دیدگاه در تضاد با مبانی قرآنی است. نخست اینکه در پیش فرض آن، باور به محوریت انسان‌ها در تحقق جهان‌گستری دین وجود ندارد. دوم اینکه این دیدگاه، یک برداشت غلط از احادیث متواتری است که شرایط پیش از ظهور را فقط پیش‌بینی کرده که آن دوران، ظلم و جور، زمین را فرا می‌گیرد و این پیش‌بینی نه به معنای تشویق برای اجتناب از هر حرکت اصلاح‌گرانه است و نه تأیید شیوع ظلم و جور! سوم اینکه هنگامی که سخن از برترین اعمال به میان می‌آید، منظور عمل صالحی است که زیربنا و سبب دیگر اعمال خیر شود. قرآن، بهترین امت را متصف به صفت امر به معروف و نهی از منکر می‌داند (بنگرید به: آل عمران / ۱۱۰) و به برپایی قسط و عدل توصیه اکید می‌کند (بنگرید به: نساء / ۱۳۵، مائده / ۸) و از شیوع فساد نهی (بنگرید به: قصص / ۷۷) و به صراحت تأکید می‌کند که خداوند از فساد بیزار است (بنگرید به: بقره / ۲۰۵) و...؛ با این وصف، چگونه انتظاری که در بطن آن نه امر به معروفی نهفته، نه نهی از منکری، نه قیام به قسط و عدلی، نه نهی از فساد...، جزء بهترین اعمال امت محسوب می‌شود؟! بدین سان باید چنین رویکردی را انتظار فاسد نامید که از دایره حدیث «أفضل أعمال أمتي إنتظار الفرج»، خارج است. پس انتظار صحیح این است که برای ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف باید به صورت فردی و جمعی آماده سازی کرد (بنگرید به: سبأ / ۴۶).

نتیجه اینکه، قرآن به تحقق جهان‌گستری دین وعده داده است و این مژده با ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق خواهد شد. از طرف دیگر بشر در همه دوران‌های تاریخی، نقش برجسته‌ای در تحقق اهداف الهی داشته است و همگان باید برای قیام به قسط به رهبری برگزیدگان الهی به پا خیزند. نصرت مهدی موعود با انتظار فرج است که برترین اعمال امت رسول الله صلی الله علیه و آله معرفی شده است و انتظار فرج، به معنای آماده‌سازی جمعی و فردی در راستای قیام حضرت مهدی است و این مضمون اختصاص به مذهب خاصی ندارد، بلکه شامل هر فردی است که خود را در زمره امت رسول الله صلی الله علیه و آله می‌داند. منتظران حقیقی، به وظایف فردی و اجتماعی خود عمل کرده، سهمی در پیشبرد حرکت تاریخی

به سمت جهان‌گستری دین را بر عهده می‌گیرند. اکنون با روشن شدن نقش بشر در تحقق جهان‌گستری دین، به مسئله بعدی تحقیق پرداخته می‌شود. اینکه آیا قرآن راهکاری برای جهان‌گستری دین ارائه داده است؟

۲. راهکارهای قرآنی جهان‌گستری دین

سراسر آیات قرآن، از احکام، اوامر، نواهی، بیان قصص و سرگذشت پیشینیان و... همه در راستای همان هدف نهایی، یعنی هدایت در جهت تحقق عبودیت با ساز و کار حکومت مقتدر جهانی هستند و با این دید، همه آیات به نوعی می‌توانند راهکارهایی برای جهان‌گستری دین محسوب شوند. اما تحقیق حاضر با استقرای همه آیات قرآن و دسته‌بندی آن‌ها، راهکارهای مشخصی را استخراج کرده، درباره آن‌ها بحث می‌کند. نتیجه تحقیق این شد که جامعه اسلامی باید از برون‌نگری در راستای تقلید و اتخاذ رویکرد پی‌رونده دست بکشد و به درون‌نگری در راستای تربیت و تقویت درون روی آورد که این راهکاری است با عنوان «الگوی جهانی‌شدن». ذیل این راهکار، راهکارهای درون‌نگرانه دیگری شامل «رویکرد کنترل درون»، «نصرت دین الهی»، «استقامت‌ورزی» و «اصلاح‌گرایی» مطرح است که در ادامه بررسی می‌شوند.

۱-۲. الگوی جهانی‌شدن

قرآن امت مسلمان را «امت وسط» و «شهداء علی الناس» قرار داده است (بنگرید به: بقره/۱۴۳). برخی مفسران «امت وسط» را امت میانه‌رو که دارای توازن فکری - تشریعی است، معنا کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۸۳/۱). «امت وسط» در معنای لغوی اگر چه متضمن معنای میانه‌روی است، اما به معنای استوارترین و برترین مردم بودن نیز می‌باشد (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۷۹/۷؛ طوسی، بی‌تا: ۶/۲؛ صفار، ۱۴۰۴: ۸۲/۱) و اشاره به جایگاه برتری (به نسبت دیگر مردم جهان) دارد که خدا به آن‌ها عطا کرده است و به این معناست که مسلمانان در تشریع و ایجاد سبک زندگی، تسلیم دیگران نشوند و به آن‌ها اعتماد نکنند (فضل الله، ۱۴۱۹: ۷۶/۳-۷۷). با توجه به معنای لغوی «شهید»؛ یعنی

داشتن علم، حضور و اعلام (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳/۲۲۱)، هرگاه این لغت با حرف استعلاء (علی) بیاید، به معنای رقیب و ناظر بر مشهود می شود (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۹۹). اگرچه همه آیات شهادت، در سیاق واحدی آمده اند و به شهادت اخروی اشاره دارند، اما هیچ منافاتی میان مفهوم شهادت اخروی و دنیوی وجود ندارد (فضل الله، ۱۴۱۹: ۳/۷۸-۷۹). نیز می توان گفت «شهداء بر مردم بودن» مأموریتی است که به امت مسلمان سپرده شده تا راه برنده دیگر جوامع باشند و این مأموریت به آن ها این آمادگی را می دهد تا بر حرکت فکری و عملی دیگر جوامع اشراف داشته، بر آن نظارت کنند (همان، ۳/۷۴).

مسئله ای که پیش می آید، این است: آیا امت اسلام فقط ناظر بر سایر ناس (دیگر جوامع و قومیت ها) هستند؟ چگونه خداوند امت برتر بودن را برای مسلمانان جعل کرده تا شهداء بر مردم باشند، ولی الگوی آن ها نباشند؟ مقصود این است که «شهداء علی الناس» علاوه بر ناظر بودن، در دل خود متضمن معنای الگو بودن نیز می باشد و این بدیهی است تا فردی یا امتی، الگو نباشد شایستگی نظارت بر دیگران را ندارد؛ چنان که «امت وسط» بودن همین معنا را تأیید می کند. امت استوار و برتر و ناظران بر مردم، یعنی امتی که الگوی دیگر مردم جهان است و بر حرکت های اجتماعی، تمدنی و تاریخی آن ها نظارت دارد. آنجا که خداوند فرموده: «جعلناکم»، سخن از جعل الهی است، به این معنا که از نگاه قرآنی فقط امت مسلمان شایستگی این را دارند تا در تمامی زمینه های فکری، فرهنگی و تمدنی، پیشرو و الگوی دیگر جوامع باشند و بر آن ها نظارت کنند. بنابراین جامعه اسلامی نه تنها از دیدگاه قرآنی این مشروعیت را دارد که الگوی جهانی باشد، بلکه باید این طور باشد؛ یعنی در عصری که گفتمان «جهانی شدن»^۱ و «دهکده جهانی»^۲ مطرح است، جامعه اسلامی نباید خود را مطابق استانداردهای جهانی درآورد، بلکه خود باید با تکیه بر منابع ثقلین، استانداردهای جهانی را برای جهانیان تعریف و بر اجرای آن ها نظارت کند.

1. Globalization.

2. Global Village.

تا اینجا مشروعیت قرآنی و الزام‌الگوی جهانی بودن جامعه اسلامی بررسی شد. اما واقعیت موجود به گونه دیگری است. برخلاف نص قرآنی، امروزه جوامع دیگری نقش‌الگو و ناظر و رهبری جهانی را ایفا می‌کنند و جامعه مسلمان نه پیشرو، بلکه پیرو و مقلد و واردکننده الگوهای فکری، فرهنگی و تمدنی جوامع دیگر است. با مقایسه میان واقعیت موجود و دیدگاه قرآنی می‌توان نتیجه گرفت جامعه اسلامی امروزی فرسنگ‌ها با امت مورد نظر قرآنی فاصله دارد. با توجه به جعل الهی در آیه مزبور که متضمن نوعی وجوب است، باید شکاف میان وضعیت کنونی جامعه مسلمان را با آن امت آرمانی قرآن (امت وسط) پر و به آن سمت حرکت کرد و این یک چالش جدی برای جامعه مسلمان است و الگوی جهانی شدن به عنوان راهکار برای این مهم مطرح شده است. برای تبیین ضرورت این راهکار باید دو نکته را افزود:

نکته اول: (همان‌طور که اشاره شد) چندین قرن از نزول قرآن و اكمال دین الهی می‌گذرد، اما چرا هنوز هدف الهی (یعنی تحقق عبودیت جهان‌گستر) محقق نشده است؟ کتاب قرآن، کلام الهی با جامعه بشری است. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می‌فرماید که این کتاب قرآن خطی است نوشته شده میان دو جلد که به زبان گفتاری سخن نمی‌گوید و ناچار برای آن ترجمانی لازم است تا مراد کلام آن را عیان کند (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۱۸۲). منظور از ترجمان، تبیین و ایضاح کلام است (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۱/۶) و قیدی نیست تا ترجمان را تنها تبیین قولی معنا کرد، بلکه عمل به مضامین قرآنی نیز تبیین‌کننده آیات الهی است. پس ترجمان می‌تواند اعم از گفتار و شامل کردار نیز باشد. درباره ائمه علیهم السلام آمده که آنان ترجمان وحی الهی هستند (هلالی، ۱۴۰۵: ۲/۸۵۷؛ صفار، ۱۴۰۴: ۶۲/۱؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۳۱۸)، به این معنا که پندار و گفتار و کردار آن‌ها تبیین‌کننده آیات الهی است. به همین روی سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سیره ائمه علیهم السلام تبیین و تجسم عملی کتاب الهی است و تمسک به ثقلین (یا به تعبیر دقیق‌تر پیروی و الگوگیری از آن‌ها) موجب جهان‌گستری دین و نجات بخشی بشر است؛ چرا که لازمه گسترش دین، باور و عمل به مضامین آن و نشر این رویکرد در سطح کلان اجتماعی

است. علت اینکه بیش از چهارده قرن از نزول قرآن می‌گذرد و هنوز اهداف قرآن و دین حق برگستره زمین محقق نشده، این است که در هر زمانه‌ای وحی الهی به ترجمان عملی در سطح کلان نیازمند است تا از سطح فردی فراتر رود و در سطح جامعه، فرهنگ و تمدن گسترش یابد؛ زیرا تنها نشر کلام الهی و اکتفا به دعوت کلامی برای جهان‌گستری دین کافی نیست. به عبارت دیگر، بشر زمانی به دین الهی می‌گراید که ثمره عمل به آن را در سطح اجتماع، فرهنگ و تمدن ببیند و به قبله آمال او تبدیل شود و جامعه اسلامی برای او الگو شود. جامعه الگو، سازنده تمدنی است که بشر آرزو دارد. به همین روی الگوی جهانی شدن جامعه اسلامی از جمله راهکارهای اساسی برای جهان‌گستری دین می‌باشد.

نکته دوم: بنا بر آیات قرآن گسترش دین بر اساس دعوت است (بنگرید به: یوسف/۱۰۸، رعد/۳۶، نحل/۱۲۵)، نه تحمیل (بنگرید به: یونس/۹۹، بقره/۲۵۶، هود/۲۸) و ابلاغ رسالت تمامی پیامبران بر اساس دعوت بوده است و مهم‌ترین و مؤثرترین راه گسترش دین، دعوت عملی است. به همین سبب خدا فرستادگان خود را نه از میان فرشتگان آسمانی، بلکه از میان انسان‌ها برگزید تا الگوی عملی برای جوامع باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۷/۲۶۴)؛ چنان که امام صادق علیه السلام در توصیه به جامعه مسلمان فرموده که دعوت‌کننده مردم با اعمالشان باشند نه [فقط] با زبان‌شان (حمیری، ۱۴۱۳: ۷۷) تا دیگر مردم در آن‌ها ورع و اجتهاد و نماز و خیر را ببینند (کلینی، ۱۴۰۷: ۷۸/۲) و به آن‌ها اقتدا کنند (مازندرانی، ۱۳۸۲: ۸/۲۳۹). مراد امام صادق علیه السلام نکوهش ترک دعوت عملی و اکتفا به دعوت نظری و تذکر لسانی است. اشکال آنجایی است که دعوت عملی ترک شود و به صرف تذکر لسانی اکتفا گردد که این از نگاه قرآنی مذموم است (بنگرید به: صف/۲-۳). بنابراین دعوت نظری باید با تجسم عمل و الگو بودن تقویت و پشتیبانی شود. دعوت عملی همان الگو شدن است و انسان‌ها برای رسیدن به کمال، به الگوی عینی نیاز دارند تا به آن اقتدا کنند. ایده صدور انقلاب اسلامی و یا فراتر از آن، تبلیغ دعوت دین الهی به سراسر جهان، اگر با الگوی جهانی شدن (دعوت عملی) پشتیبانی

نشود، تأثیر چندانی نخواهد داشت. به همین سبب، راهکار «الگوی جهانی شدن» نه یک پیشنهاد، بلکه یک رسالت سنگین بردوش جامعهٔ مسلمان است تا با حرکت جهادی، ابتدا خودش را از درون اصلاح کند و سپس در تمامی زمینه‌های فکری، فرهنگی و تمدنی (اعم از علم، عمران، اقتصاد، امنیت و اقتدار نظامی و...) پیشرو شود، یا به بیان بهتر، تجسم عمل به قرآن را در ساحت جامعه و تمدن عینیت بخشد، به طوری که قبلهٔ آمال تمامی جوامع جهانی شود.

حرکت به سمت جامعهٔ الگوبه یک چشم‌انداز نیاز دارد که می‌توان آن را در قرآن یافت. آیاتی به شکل خاص، ویژگی‌های جامعهٔ الگورا بیان کرده‌اند. از منظر قرآن بهترین جامعه، نسبت به سرنوشت خود و دیگران بی‌تفاوت نیست (بنگرید به: آل عمران/۱۱۰)، [چنان که امام صادق علیه السلام در روایتی فرمود: کسی که به خیرات فرانخواند و امر به معروف و نهی از منکر نکند از امت محمد صلی الله علیه و آله محسوب نمی‌شود (عیاشی، ۱۳۸۰/۱: ۱۹۵؛ بحرانی، ۱۳۷۴/۱: ۶۷۴)]. آن‌ها در تعاملات اجتماعی با بیگانگان، سخت‌گیر و قاطع‌اند و با خودی‌ها مهربان‌اند، و در ارتباط با خدا، اهل عبادت‌اند، به طوری که نشانه‌هایش بر رخسارشان هویداست و در همه حال در پی فضل و رضایت الهی هستند (بنگرید به: فتح/۲۹). محبت به خدا دارند، اهل جهاد فی سبیل الله هستند و فقط رضایت او را می‌جویند (بنگرید به: مائده/۵۴-۵۶). اگر چه این صفات دربارهٔ اصحاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه بیان شده است (بحرانی، ۱۳۷۴/۲: ۳۱۴)، ولی به این معنا نیست که هیچ کس به جز آن اصحاب نمی‌توانند این گونه باشند. در هر حال آیه وصف یک جامعهٔ الگوست که می‌تواند چشم‌انداز جامعهٔ مسلمانان برای حرکت به سمت آن باشد.

تا اینجا ضرورت الگوی جهانی شدن و چشم‌انداز کلی جامعهٔ الگوی جهانی مطرح شد. در ادامه راهکارهای دیگری برای جهان‌گستری دین وجود دارند که فرع بر جامعهٔ الگو تعریف می‌شوند.

۲-۲. گسترش رویکرد کنترل درون در جامعه

اساس اصلاح جامعه انسانی در گسترش رویکرد تربیت درونی است؛ چرا که مفسد اجتماعی، از چیزی جز نفوس انسانی ناشی نمی شود (بنگرید به: روم/ ۴۱، مائده/ ۶۴، اعراف/ ۵۶، بقره/ ۲۲۰، ۲۰۵ و ۲۵۱ و...). بنابراین اگر رویکرد تربیت درون (یا به تعبیر دینی جهاد اکبر) در آحاد انسانی گسترش یابد و هر کس به اصلاح خودش بپردازد، ریشه بسیاری از مفسد قطع خواهد شد. ضبط نفس و کنترل آن از مفسد، یکی از لوازم تربیت درون است که در تعبیرات دینی همان تقواست؛ زیرا تقوا یعنی حفظ نفس از آنچه که بیم از ضررش می رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۸۱). بنابراین تقوا یعنی حفظ نفس و کنترل درون از گناهان و مفسادی که جز ضرر و خسران نتیجه ای ندارد (مطهری، ۱۳۹۸: ۲-۴). شیوع این رویکرد در آحاد بشری موجب اصلاح جامعه انسانی خواهد شد.

مفهوم تقوا جایگاه ویژه ای در آیات الهی دارد، به گونه ای که وجه تمایز انسان ها نزد خدا به میزان تقوای آن ها است (بنگرید به: حجرات/ ۱۳). حال با وجود صفات دیگری که خداوند برای یک جامعه الگومی پسندد (مانند توکل، احسان و برّ) چرا این صفت، به عنوان یک راهکار در جهان گستری دین مطرح شده است؟ بی گمان واژه های متقین، متوکلین، محسنین، ابرار و... به طوایف متعددی اشاره ندارند و همگی صفات انسان مؤمن هستند و هریک از این ها نقشی در پرورش جامعه الگو دارند که فقدان هریک، جامعه را گرفتار می کند. تقوا (یا همان رویکرد کنترل درون) علاوه بر نقش پررنگ آن در دفع مفسد اجتماعی، به سبب تأثیری که بر جهان گستری دین دارد، به عنوان یک راهکار مطرح شده است. توضیحات بیشتر در ادامه می آید:

وحی قرآنی حقایقی را بر جامعه بشری روشن کرد که ثمره ایمان و التزام عملی به آن، حیات طیبه یا همان حیات شیرین و پرفایده و مطلوب است (حسینی خامنه ای، ۱۳۹۹). به معنای دیگر، هدایت قرآنی هدایت به سمت حیات طیبه خواهد بود. اگر چه قرآن کریم بیانی برای همه مردم جهان است، ولی آن عده که از هدایت این کتاب بهره مند می شوند، متقین هستند (بنگرید به: آل عمران/ ۱۳۸، بقره/ ۲). پس متقین اند که حیات

طیبه را رقم می‌زنند. همچنین با تأمل در آیات ۱۲۸ و ۱۲۹ سوره اعراف می‌توان به این نکات کلیدی دست یافت: نخست اینکه میان اهل تقوا با ارث بردن زمین ارتباطی وجود دارد و سرانجام متقین زمین را به ارث می‌برند؛ دوم اینکه موسی علیه السلام با گفتارش به قوم خود امیدِ خلافت بر روی زمین را می‌دهد؛ سوم اینکه خداوند ارث زمین و خلافت بر روی آن و بهره‌مندی از قدرت و مکنّت را برای مستضعفان اراده می‌کند. تمامی این نکات کلیدی ارتباط منطقی با هم می‌یابند. بنابراین نکات کلیدی، یکی از عواقب پیروزی و خیری که از آن متقین است به ارث بردن زمین می‌باشد و وارثان زمین همان مستضعفانی هستند که خدا اراده کرده آن‌ها را خلفای زمین و رهبران جهانی قرار دهد. به بیان دیگر، قرآن مایه هدایت متقین است و سرانجام این هدایت، تحقق حکومت و رهبری جهانی است (بنگرید به: نور/۵۵) که حیات طیبه شامل آن نیز می‌شود. به همین سبب تقوا به عنوان یک راهکار برای جهان‌گستری دین مطرح گردیده و ذیل «الگوی جهانی شدن» تعریف شده است که تقوا یکی از ویژگی‌های کلیدی جامعه‌الگوست بدون آن، جامعه از صراط مستقیم خود منحرف می‌شود.

۲-۱-۲. نیروی محرکه کنترل درون

نیروی محرکه این رویکرد چیست؟ چه چیزی آن را در جامعه زنده و حفظ آن را تضمین می‌کند؟ حرکت تاریخی بر خلاف تصور رایج، وابسته به اسباب و گذشته خود نیست، بلکه روبه سوی هدفی پیش‌رونده در آینده دارد. انسان (محتوای درونی او)، اساس حرکت تاریخی است و با امتزاج فکر (تصور هدف و آینده) و اراده (نیروی محرکه)، حرکت تاریخی شکل می‌گیرد (صدر، ۱۴۳۵: ۱۱۵-۱۱۶). تغییر اساسی جامعه و حرکت تاریخی، تابعی از تغییر درون نفوس جامعه است (بنگرید به: رعد/۱۱). به عبارت دیگر، پیشرفت جامعه و عمران تمدن و حرکت تاریخی به سمت کمال، ناشی از تربیت درون نفوس جامعه یا به تعبیر دینی، جهاد اکبر می‌باشد (صدر، ۱۴۳۵: ۱۱۸).

از لوازم کلیدی تربیت درون، تقوا و حفظ آن از مفاسد اخلاقی است. پس تقوا لازمه جهاد اکبر است که فقدان آن، جامعه را از محتوا و قدرت حقیقی بر تغییرات در ساحت

اجتماعی و تاریخی، خالی می‌کند. باز این مسئله مطرح می‌شود که چه چیزی به انسان‌ها انگیزه می‌دهد تا رویکرد تربیت درون را پیش بگیرند؟ آیا وضع قانون و مجازات بر تخلف از آن، می‌تواند نیروی محرک انسان‌ها در اتخاذ رویکرد تربیت درون باشد؟ اگر چه وضع قوانین، ایجاد هنجارها، فرهنگ‌سازی و... در ایجاد نظم در جامعه مؤثر است، ولی قوانین، هنجارها، فرهنگ و هر عنوان دیگری یک عامل کنترل بیرونی به شمار می‌رود و گفته شد اساسی اصلاح جامعه، در گسترش رویکرد تربیت درون است. پس برای کنترل درون به یک عامل انگیزاننده درونی نیاز است نه یک عامل بیرونی.

می‌توان مسئله را به گونه دیگری مطرح کرد. از منظر قرآنی، رفاه و آبادانی تمدن‌ها زمانی محقق می‌شود که جوامع انسانی ایمان و تقوا داشته باشند (بنگرید به: اعراف/ ۹۶). اما چرا ایمان و تقوا آن‌هم هر دو با هم، موجب گشایش برکات و گسترش رفاه می‌شود؟ عوامل کنترل بیرونی (مانند ایجاد قوانین، هنجارها و فرهنگ‌سازی‌ها) شاید به شکل مقطعی توان مدیریت و راهبری جوامع بشری را داشته باشند و موجب نظم [هرچند ظاهری] شوند، اما توان ایجاد تغییرات اساسی را در درون نفوس جامعه ندارند. تغییرات درونی نیازمند انگیزه‌های درونی است. این انگیزه درونی ناشی از اعتقاد به ایده برتر است؛ ایده برتری که هدف نهایی انسان‌ها و جهت‌دهنده به تمامی تحرکات فردی و اجتماعی آن‌ها باشد. این ایده برتر هر اندازه بزرگ‌تر باشد، انگیزه‌های درونی برای حرکت و تغییر از درون بیشتر می‌شود. ایده‌های برتر مصنوع بشری (اعم از بت‌های جمادی، حیوانی و مفهومی و...)، هر اندازه هم بزرگ باشند، زاییده ذهنی محدودند؛ پس در نتیجه خود محدودند. از طرف دیگر ایده‌های برتر مصنوع ذهن بشر نمی‌توانند درون بشر حس مسئولیت مستحکم ایجاد کنند و به او در حل نزاع درونی یاری رسانند (صدر، ۱۴۳۵: ۱۴۶). در نزاعی که یک طرف کششی به سمت جاذبه‌های زمینی، مانند شهوات، خودخواهی، امیال حیوانی است و طرف دیگر، کششی به سمت جاذبه‌های الهی، مانند عدالت‌ورزی، ایثار و عقلانیت است، بشر با اختیار خود یا مسیر حیوانیت و بلکه پست‌تراز حیوانیت را می‌گزیند (بنگرید به: فرقان/ ۴۴) که سرانجام این مسیر شقاوت است (بنگرید به:

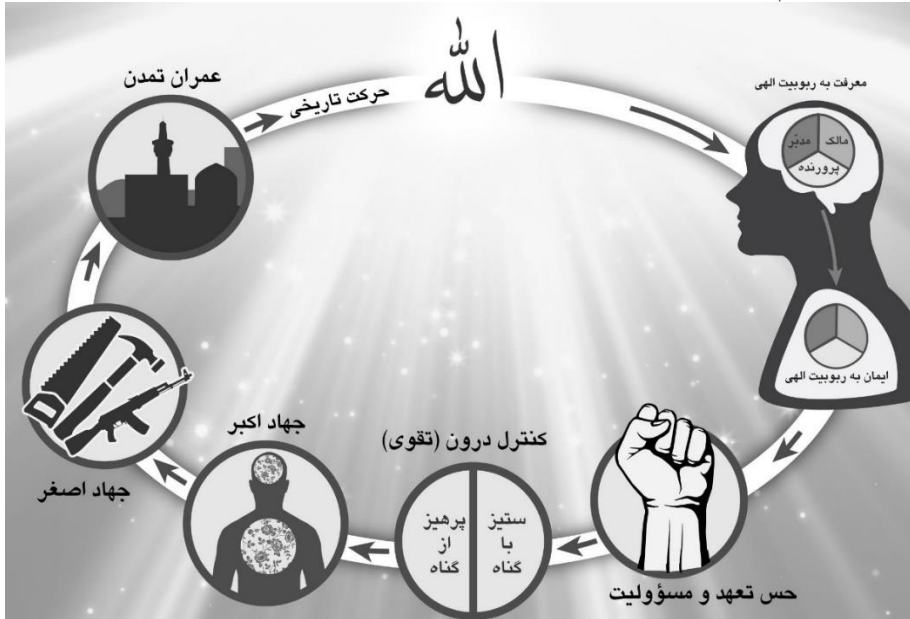
اعراف/ ۱۷۹)، یا مسیر الهی را برمی‌گزیند تا به سمت خلافت الهی حرکت کند. در این صورت نماینده صفات کمالیه الهی، مانند عدالت، علم، متانت، حلم، رحمت و مودت می‌شود که سرانجام آن حکومت در زمین است (بنگرید به: نور/ ۵۵). انسانی که نتواند نزاع درون خود را به سمت کمال هدایت کند، در ساحت فردی گرفتار ستم به خویشان می‌شود؛ یعنی دانسته یا نادانسته کارهایی انجام می‌دهد که ناشی از جاذبه‌های غریزی و حیوانی (مانند غضب، شهوت، و ترس) است، ولی در حقیقت موجب فساد است. اگر چنین ضدالگویی در ساحت مدیریت اجتماعی ظاهر شود، چون فاقد صفات کمالیه الهی (مانند ایثار، حلم و رحمت) است، به استبداد، بی‌عدالتی و ستم در سطح کلان می‌گراید. چه بسا برخی صاحب‌نظران دموکراسی را رافع و دافع استبداد بدانند، ولی دموکراسی نیز اگر چه استبدادهای اشرافی، فئودالی، کلیسایی و... را کنار زده، اما خود نیز گرفتار نوع دیگری از استبداد (قهر و غلبه اکثریت بر اقلیت) شده است (که پرداختن تفصیلی به آن از مجال این نوشتار خارج است. برای مطالعه بیشتر بنگرید به: صدر، ۱۴۰۱: قسمت «الديمقراطية الرأسمالية»؛ زرناس، ۱۳۹۳: واژه دموکراسی).

مسئله اساسی، حل نزاع درونی و سوق دادن آن به سمت صفات کمالیه الهی است و تنها عامل اساسی در این مسئله، احساس مسئولیت مستحکم است (صدر، ۱۴۳۵: ۱۴۸). هر اندازه احساس مسئولیت انسان مستحکم‌تر باشد غلبه بر کشش‌های حیوانی و حرکت به سمت صفات کمالی بیشتر است. نکته مهم این است که ایده‌های برتر ساخته و پرداخته ذهن بشری چون خود مصنوع ذهن بشرند، در ایجاد حس مسئولیت مستحکم در قبال خود ناتوان‌اند. چیزی که ساخته بشر است، بشر هم می‌تواند آن را تغییر دهد. این ایده برتر باید فراتر از بشر و بلکه قوی‌تر و برتر از هر چیزی باشد تا در بشر تعهد و حس مسئولیت مستحکم ایجاد کند. از نگاه دینی و قرآنی این ایده برتر فقط از آن تنها وجود مطلق و نامحدود؛ یعنی خالق و رب (پرورنده، مالک و مدبر) هستی است (همان، ۱۴۳). انسانی که به چنین وجودی ایمان داشته باشد و بداند که او حی و حاضر و ناظر و جزا دهنده است، در قبال او احساس مسئولیت مستحکم خواهد کرد و حس مسئولیت

موجب کنترل درون از انجام اعمالی است که موجب سخط اوست. این کنترل درون همان تقواست. بنابراین، ایمان عمیق به خدا موجب تقواست و تقوا موجب سوق دادن انسان به صفات کمالیه الهی است. چنین الگویی اگر در سطح مدیریت کلان اجتماعی قرار گیرد، چون خود نماینده صفات الهی (مانند عدالت، رحمت و مودت) است، هیچ گاه به استبداد نخواهد گرایید؛ زیرا او در نتیجه نزاع با درون، و غلبه برگرایش حیوانی خود، به مرحله از خودگذشتگی و ایثار رسیده است. طبیعی است که اگر چنین انسان‌هایی در عرصه اجتماعی حاضر شوند و خصوصاً سکان مدیریت جامعه را به دست گیرند، تبعیض، بی عدالتی، ستم و... که همه ناشی از خودخواهی و غلبه گرایش‌های حیوانی است، کنار می‌رود و عدالت، امنیت، آبادانی و رفاه جایگزین می‌شود و از همه مهم‌تر شامل عنایات ویژه رحمانی می‌شوند (بنگرید به: اعراف/۹۶). برای همین است که پیامبران در مقایسه با دیگر انقلابیون، مصلحان و رهبران جوامع بشری، در مسیر خود استوارتر بودند و هیچ گاه گرفتار ذره‌ای لغزش نشدند (صدر، ۱۴۳۵: ۱۴۶-۱۴۷). این هدف پس از ظهور منجی آخرالزمان و برپایی حکومت صالحان بر زمین محقق خواهد شد. لسان روایات در وصف آن روزگار آورده که زمین گنج‌هایش را آشکار می‌کند تا جایی که مردم آن را در سطح زمین ببینند و [رفاه چنان گسترش می‌یابد که] مردی به دنبال کسی می‌گردد تا مالش را [به نیازمندی] برساند و زکاتش را به او بپردازد، اما هیچ کس را نمی‌یابد تا از او بپذیرد. و این امر به سبب این است که مردم از آنچه خدا از فضل و کرمش به آن‌ها روزی داده است، بی‌نیاز شده‌اند (مفید، ۱۴۱۳: ۳۸۱/۲؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲/۲۶۴).

نتیجه اینکه نیروی محرکه تقوا اعتقاد به ربوبیت الهی است. معرفت بیشتر به خداوند عز و جل (پروردگار، مالک و مدبر و در نتیجه مؤثر بر سرنوشت) موجب ایمان بیشتر به اوست. ایمان عمیق به ربوبیت الهی موجب ایجاد تعهد عمیق و حس مسئولیت در نفوس انسانی است و احساس مسئولیت موجب کنترل درونی یا به تعبیر دینی تقواست.

تقوا لازمه جهاد اکبر است و جهاد اکبر یا تربیت محتوای درون انسان، لازمه جهاد اصغر یا همان تغییر جامعه می‌باشد و تغییر جامعه موجب عمران تمدن و حرکت تاریخی به سمت کمال می‌شود. هر اندازه این اعتقاد به ربوبیت راسخ‌تر باشد، احساس مسئولیت و تقوا مستحکم‌تر می‌شود و نیز دیگر موارد.



تصویر ۲: تأثیر تقوا در گسترش عمران و آبادانی تمدن‌ها

۳-۲. نصرت دین الهی

جهان‌گستری دین یک حرکت جهادی است که از جهاد اکبر و تربیت نفوس آغاز می‌شود و سرانجام با الگوی جهانی و رهبری صالحان بر زمین به کمال خود می‌رسد. یکی از راهکارهای برجسته در این بین نصرت دین الهی است. خداوند به آن‌هایی که دینش را نصرت می‌دهند، وعده نصرت و ثبات قدم داده است (بنگرید به: حج/۴۰، محمد/۷). در اینجا دو نکته مهم وجود دارد:

(۱) ثبات قدم؛ یعنی ایستادگی در برابر هر مشکلی که این رمزپیروزی است. مؤمنان اندکی که از سپاه طالوت در مقابل جالوت قرار گرفتند با صبر و ثبات قدم توانستند بر

سپاهیان جالوت غلبه کنند (بنگرید به: بقره/ ۲۵۰ و ۲۵۱). بنابراین ثبات قدم موجب غلبه و پیروزی است.

(۲) از منظر قرآن، نصرت الهی قرین با غلبه است (بنگرید به: حج/ ۴۰، محمد/ ۷، بقره/ ۲۵۰ و ۲۵۱، آل عمران/ ۱۶۰، صافات/ ۱۱۶، عنکبوت/ ۶۹).

نصرت دین الهی برای گسترش دین اوست و نصرت الهی برای جهان گستری دین لازم است. پس نصرت دین الهی به سبب غلبه‌ای که در پس آن نهفته، برای جهان گستری دین ضروری است. این راهکار خود موجب تعدیل و تقویت عقائد جامعه‌الگوست تا بدانند جهان گستری دین نه برای اعتلای نام و نشان خودشان، بلکه برای اعتلای دین الهی است و آن‌ها نه برای منافع خود یا خاندان یا جامعه یا ملتشان یا هر عنوانی که گذاشته شود...، بلکه برای نصرت دین الهی قیام می‌کنند؛ زیرا جامعه‌الگوی قرآنی، یک جامعه از خود گذشته است. این جامعه در نتیجه اعتقاد راسخ به الله رب العالمین و انگیزه برای کنترل درون و هدایت نزاع درونی به گرایش‌های الهی، به مرحله‌ای از ایثار می‌رسد که هر چیزی حتی خودش را فدای اراده الهی می‌کند. به همین سبب، نصرت دین الهی همراه با جهاد فی سبیل الله است (طوسی، ۱۴۰۷: ۶/ ۱۲۳-۱۲۴). جهاد به معنای بذل مال و جان برای اعتلای کلمه اسلام و اقامه شعائر ایمان است (طریحی، ۱۳۷۵: ۳/ ۳۱) و از طرف دیگر، مجاهدت با تقوا (راهکار پیشین) مناسبت دارد (بنگرید به: مائده/ ۳۵، توبه/ ۴۴) و مجاهدان در راه خدا مشمول هدایت‌های الهی می‌شوند (بنگرید به: عنکبوت/ ۶۹). این هدایت به راه‌های سلام و صلح‌گرایی و بهره‌مندی از نور بینش می‌گراید و هدف نهایی این راه‌ها، هدایت به صراط مستقیم است (بنگرید به: مائده/ ۱۵-۱۶)، همان راهی که سبک زندگی انسان‌های الگو، مانند پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان می‌باشد. جهاد با اموال و انفس علاوه بر هدایت، موجب بهره‌مندی از نصرت الهی و پیروزی است (بنگرید به: صف/ ۱۱-۱۳).

۲-۴. استقامت‌ورزی

استقامت از ریشه «ق و م» و دارای دو اصل معنایی است؛ یکی دلالت بر جماعتی از مردم دارد (مثل قوم فلان) و دیگری دلالت بر عزم: «قام بهذا الأمر»؛ یعنی انجام این کار را قصد کرد (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵/۴۳). «استقام»؛ یعنی اعتدال و استواری نشان داد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲/۴۹۸) و لفظ «مستقیم» از همین ریشه است که در قرآن آمده (فاتحه / ۶) و مراد طریقی است که بر خط استوار باشد که همان سبک زندگی اهل حق است. بنابراین مراد از استقامت، عزم و التزام انسان بر این صراط مستقیم است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۹۲).

به طور کلی، فکرو عمل انسان یا بر خط توحید است و یا انحراف از خط توحید (به سمت شرک و کفر) و استقامت چیزی جز التزام در خط توحید نمی‌باشد که در صورت سستی، به انحراف از این خط می‌گراید (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۲/۱۳۹). به همین روی جامعه‌ای که در فکرو عمل ذره‌ای سستی کند، از صراط مستقیم منحرف خواهد شد. عدم استقامت (یعنی سستی کردن) و تکیه بر بیگانگان، خلاف ماهیت جامعه‌الگوست. همان‌گونه که پیش‌تر ثابت شد، جامعه‌الگویک جامعه‌راه‌برنده و پیشرو است، ولی جوامعی که بر بیگانگان تکیه می‌کنند، به نوعی پیرو آن‌ها می‌شوند. بنابراین سستی نشان دادن، علاوه بر خروج از خط توحید، به نوعی خروج از خط پیشروی و راهبری و الگوی جهانی شدن است. به همین سبب استقامت‌ورزی یکی از کنش‌های اساسی جامعه‌الگوست که به عنوان یک راهکار مطرح شده است. مفهوم استقامت با مفهوم صبر همراه است (بنگرید به: هود/۱۱۲-۱۱۵) و از صفات متقین عنوان شده است (بنگرید به: توبه/۷). استقامت نه فقط یک امر پسندیده است، بلکه خداوند به آن امر کرده است (بنگرید به: هود/۱۱۲، فصلت/۶) و عمل به آن علاوه بر پیشروی در صراط مستقیم، موجب ایجاد امنیت روانی در جامعه (بنگرید به: احقاف/۱۳، فصلت/۳۰) و افزایش رزق و روزی می‌شود (بنگرید به: جن/۱۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰/۴۶).

۵-۲. اصلاح‌گرایی

در آیات فراوان قرآن، بر عمل صالح و اصلاح‌گرایی و اجتناب از فساد تأکید شده است (بنگرید به: شوری/۴۰، اعراف/۵۶، بقره/۶۰ و...). قرآن می‌فرماید: «ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً» (بقره/۲۰۸). این آیه را چه دخول در اسلام در نظر بگیریم (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۵۲/۱؛ طوسی، بی‌تا: ۱۸۵-۱۸۶؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۸۷/۲-۱۸۸)، چه دخول در طاعت و تسلیم فرمان الهی (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۰۱/۲)، چه دخول در صلح و صفا (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۸۱/۲؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۲۸/۴)، همه به یک نتیجه اشاره دارد؛ زیرا دخول در اسلام چیزی جز تسلیم امر الهی شدن نیست و تسلیم امر الهی شدن به معنای اطاعت از فرمان خداست که سراسر نهی از تفرقه و تأکید بر هم‌گرایی (بنگرید به: آل‌عمران/۱۰۳ و ۱۰۵) و صلح دارد. بنابراین، دین جهانی اسلام بر محوریت صلح است.

منابع لغوی «اصلاح» را مشتق از صلح، و آن را نقیض فساد می‌دانند (ازهری، ۱۴۲۱، ۱۴۲/۴؛ جوهری، ۱۹۹۰: ۳۸۳/۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۸۹) که می‌توان فهمید، رویکرد اصلاح‌گرایی متضمن بیزاری از مفاسد (اعم از مفاسد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و...) و مبارزه با آن است. عرب در استعمالات خود می‌گوید: «رجُلٌ صَالِحٌ فِي نَفْسِهِ وَمُصْلِحٌ فِي أَعْمَالِهِ وَأَمُورِهِ» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۱۷/۳). صالح (یا صلاح) صفتی است که به کمال درونی نفس انسان اشاره دارد و مصلح (یا اصلاح) به کمالات بیرونی، مانند اعمال و کارهای او. بنابراین جامعه اصلاح‌گرا، نه فقط خود دارای این کمال هستند، بلکه دیگران را در این کمالات سهیم می‌کنند و به آنان منفعت می‌رسانند و نسبت به گسترش مفاسد و پایمالی حقوق دیگران بی‌تفاوت نیستند. علاوه بر این، در بیان تفاوت صلاح با فساد گفته شده که صلاح، بقای بر مقدار مقتضی حکمت است و نقیض آن؛ یعنی فساد، انحراف از مقداری است که مقتضی حکمت باشد. هرگاه چیزی از مقدار مقتضی حکمت کم شود (تفریط) یا بیشتر شود (افراط)، صلاح محقق نمی‌شود (عسکری، ۱۴۰۰: ۲۰۸) که این جنبه از مفهوم اصلاح با راهکار پیشین؛ یعنی استقامت (به معنای عزم و التزام بر صراط مستقیم) نیز ارتباط می‌یابد.

اما ارتباط اصلاح‌گرایی با جهان‌گستری دین از این جهت است که قرآن پیش‌بینی کرده که در افق آینده بشری، صالحان و ارثان زمین (بنگرید به: انبیاء/۱۰۵) و رهبران جهانی خواهند شد (بنگرید به: نور/۵۵). بنابراین شایسته است که جامعه‌الگوی جهانی در راستای اصلاح‌گرایی قدم بردارد و در گسترش صلح بکوشد.

نتیجه

از منظر قرآن، بشر به خصوص جامعه‌ایمانی، نقش مهمی در جهان‌گستری دین و تحقق وعده الهی، به ویژه در قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد و این نقش در انتظار فرج نمود می‌یابد که به معنای آماده‌سازی فردی و جمعی در راستای قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

سراسر آیات قرآن، هدایت‌گر در راستای هدف نهایی دین؛ یعنی تحقق عبودیت جهان‌گستراست و در این میان، «الگوی جهانی شدن» و راهکارهای مرتبط، مثل «گسترش رویکرد کنترل درون»، «نصرت دین الهی»، «استقامت‌ورزی» و «اصلاح‌گرایی»، راهکارهای مهمی برای جهان‌گستری دین هستند.

از منظر قرآن، تنها جامعه اسلامی شایستگی الگوی جهانی شدن و نظارت بر تمامی حرکت‌های اجتماعی، تمدنی و تاریخی دیگر مردم جهان را دارد، نه آنکه مقلد جوامع دیگر و پیرو استانداردهای جهانی شده آن‌ها باشد. جامعه اسلامی باید بکوشد تا با الگوی جهانی شدن، ثمرات عمل به دین در عرصه اجتماعی و تمدنی را عینی کند تا آنجا که این تمدن، قبله آمال جهانیان گردد.

جامعه‌الگو، با کنترل‌های بیرونی هدایت نمی‌شود، بلکه خود واجد کنترل درون است و محرک آن احساس مسئولیت در قبال ایده برتری می‌باشد. این ایده برتری‌یافته ذهن محدود بشری نیست؛ چرا که چنین ایده‌هایی خود محدود بوده و قادر به ایجاد حس مسئولیت مستحکم در درون نفوس نیستند. ایده برتر حقیقی خداوند است که وجودی نامحدود و خارج از ذهن بشر است و همه چیز به دست قدرت اوست. اعتقاد راسخ به

حضرت ربوبی، موجب ایجاد حس مسئولیت مستحکم در قبال او خواهد بود. پس کنترل درون با اعتقاد راسخ به خدا حرکت می‌گیرد و ثمر می‌دهد. راهکار بعد، نصرت دین الهی است که از منظر قرآن قرین با غلبه است. جامعه‌الگو همواره در پی نصرت دین الهی است و هیچ‌گاه برای اعتلای نام و نشان خود قیام نمی‌کند، بلکه قیام او برای وجودی فراتر از خود (یعنی الله) است. از این رو، همواره برای خداوند ایثار می‌کند، وگرنه گرفتار غرور می‌شود و چنین جامعه‌ای در مسیر حرکت تاریخی قهقرایی به سمت سقوط کشیده می‌شود.

راهکار بعد، استقامت و رزی است و استقامت، یعنی التزام در خط توحید و پرهیز از هرگونه سستی. جامعه‌ای که در فکر و عمل ذره‌ای سستی کند، از صراط مستقیم منحرف خواهد شد. به همین سبب در قرآن بر استقامت و رزی تأکید شده است، و فاصله گرفتن از جامعه‌آرامانی قرآن (یعنی جامعه‌پیشرو و الگو و ناظر جهانی) و مقلد دیگران و تحت ولایت بیگانگان بودن، از مصادیق سستی است. بنابراین جامعه‌اسلامی اگر استقامت و رزی نداشته باشد، هیچ‌گاه به جامعه‌الگوی جهانی نخواهد رسید.

راهکار بعد، اصلاح‌گرایی است و در قرآن بارها بر صلح و اصلاح‌گرایی و اجتناب از فساد تأکید شده است و سرانجام، صالحان و ارثان زمین و رهبران جهانی خواهند بود و شایسته است که جامعه‌اسلامی خود مصداق اصلاح‌گرایی باشد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آرام، محمد رضا، «قرآن، جهانی‌سازی و جهانی‌شدن»، *سراج منیر*، شماره ۵، ۱۳۹۰ ش.
۳. ابن قولویه، جعفر بن محمد، *کامل الزیارات*، دارالمرتضویه، نجف، ۱۳۵۶ ش.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۵. ابن بابویه، علی بن حسین، *الإمامة والتبصرة من الحيرة*، تصحیح و تحقیق مدرسه امام مهدی علیه السلام، مدرسه الإمام المهدی علیه السلام، قم، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، *إعتقادات الإمامية*، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۴ ق.

۷. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.
۸. ابن ماجه، ابو عبد الله محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دار احیاء الکتب العربیه، بی جا، ۱۳۷۳ق.
۹. ابو داود، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، چاپ سنگی، مصر، ۱۳۱۲ق.
۱۰. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۱ق.
۱۱. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، مؤسسه بعثت، قم، ۱۴۱۵ق.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تاج اللغة وصحاح العربیه، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۹۹۰م.
۱۳. حسینی خامنه ای، سید علی، سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران، ۳ فروردین ۱۳۹۹ش. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=>
۱۴. حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد، مؤسسه آل البيت علیه السلام، قم، ۱۴۱۳ق.
۱۵. حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تصحیح و تحقیق هاشم رسولی، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دار القلم - دار الشامیه، بیروت - دمشق، ۱۴۱۲ق.
۱۷. زرشناس، شهریار، واژه نامه سیاسی-فرهنگی، معارف، تهران، ۱۳۹۳ش.
۱۸. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، تحقیق حسین احمد مصطفی، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۱۹. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ق.
۲۰. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، هجرت، قم، ۱۴۱۴ق.
۲۱. شیرودی، مرتضی، «جهانی سازی، اسلام و آینده بشریت»، معرفت، شماره ۷۹، ۱۳۸۳ش.
۲۲. صباغچی، یحیی، «اسلام جهانی و راه های گسترش آن از منظر قرآن»، تحقیقات اخلاقی، شماره ۴۱، ۱۳۹۳ش.
۲۳. صدر، سید محمد باقر، فلسفتنا، دار الکتب الإسلامی، قم، ۱۴۰۱ق.
۲۴. صدر، سید محمد باقر، المدرسه القرآنیه، دار الصدر (مركز الأبحاث والدراسات التخصصیه للشهید الصدر)، قم، ۱۴۳۵ق.
۲۵. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیه السلام، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ق.

۲۶. طباطبائی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۰ ق.
۲۷. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)*، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۲۸. طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرین*، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الأحکام*، دار الکتب الإسلامیہ، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۳۱. عسکری، ابوہلال حسن بن عبد اللہ، *الفروق فی اللغہ*، دار الآفاق الجدیدہ، بیروت، ۱۴۰۰ ق.
۳۲. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، المطبعة العلمیہ، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۳۳. قتال نیشابوری، محمد بن احمد، *روضة الواعظین و بصيرة المتعظین*، انتشارات رضی، قم، ۱۳۷۵ ش.
۳۴. فراہیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، نشر ہجرت، قم، ۱۴۰۹ ق.
۳۵. فضل اللہ، محمد حسین، *من وحی القرآن*، دار الملائک، بیروت، ۱۴۱۹ ق.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دار الکتب الإسلامیہ، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۳۷. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، *شرح الکافی - الأصول والروضہ*، المكتبة الإسلامیہ، تهران، ۱۳۸۲ ش.
۳۸. مطہری، مرتضی، *دہ گفتار*، صدرا، تهران، ۱۳۹۸ ق.
۳۹. مطہری، مرتضی، *قیام و انقلاب مہدی از دیدگاه فلسفہ تاریخ*، تهران: صدرا، تهران، ۱۴۰۰ ق.
۴۰. معرفت، محمد ہادی، «قرآن و جہانی شدن»، *گلستان قرآن*، شماره ۲۰۲، ۱۳۸۴ ش.
۴۱. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الإرشاد فی معرفۃ حجج اللہ علی العباد*، تصحیح و تحقیق مؤسسة آل البيت علیہ السلام، کنگرہ شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
۴۲. مکارم شیرازی و همکاران، *تفسیر نمونہ*، دار الکتب الإسلامیہ، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۴۳. نعمانی، محمد بن ابراہیم، *الغیۃ*، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷ ق.
۴۴. ہلالی، سلیم بن قیس، *کتاب سلیم بن قیس*، ویرایش محمد انصاری زنجانی خوئینی، الہادی، قم، ۱۴۰۵ ق.